

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا

۳۰۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۶ فروردین ۱۳۸۵، ۵ آوریل ۲۰۰۶

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیره: عبدال کلپریان

گفتگو با سیاوش مدرسی در رابطه با تهدیدات نظامی و حمله احتمالی آمریکا به ایران



سیاوش مدرسی

جهان است. که باید در فرصت مناسب به آن پرداخت.

واقعاً ۱۱ سپتامبر فرصت طلایی برای دولت آمریکا فراهم کرد که این بار بعنوان قربانی تروریسمی که بیش از هرچیز دست پروره زرادخانه سیاسی نظامی خود این دولت در دوران جنگ سرد و علیه چپ گرایی در هر شکل آن بود، بمیدان بیاید و اقدام کند. نباید اشغال افغانستان و عراق و تهدیدات امروزیش علیه جمهوری اسلامی را آنطور که خودشان اصرار دارند جنگ علیه تروریسم و یا رویدادهایی منطقه ای، مجرد و آپستراکت ببینیم.

اگر بیاد داشته باشیم دولت آمریکا در حمله دومش به عراق و اشغال این کشور مطلقاً منتظر تائید اروپا و سهم خواهی دولتهای سرمایه داری دیگر نظیر چین و روسیه نماند. تمام قواعد بازی و کنوانسیونهایی را که چه در شورای امنیت سازمان ملل و یا پیمان

عبدال کلپریان: این روزها مسئله تهدیدات آمریکا علیه ایران تقریباً به یک مسئله محوری تبدیل شده، به نظر شما این تهدیدات و عملی نمودن آن از طرف آمریکا تا چه حد ممکن است و به چه فاکتورهائی بستگی دارد؟

سیاوش مدرسی: همانطور که میدانید "نظم نوین جهانی" سیاستی بود که دولت آمریکا بعد از فروپاشی بلوک شرق، اتخاذ کرد. جوهر و مبنای اصلی این سیاست تحکیم سلطه و اقتدار سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا بر "جهان یک قطبی" بعد از فروپاشی دیوار برلن است. این سیاست ظاهراً خارجی ابعاد داخلی بسیار گسترده ای هم در خود کشورهای به اصطلاح شمال داشته است. امروز دیگر گلوبالیزاسیون، نئولیبرالیسم و میلیتاریسم و اقتدار گرایی اجزا ناشدنی این نظم به اصطلاح نوین سرمایه داری در تمام

سفسطه جواب نیست فراخوان پرو آمریکایی را کنار بگذارید در نقد فراخوان مجاهدینی سایت دیدگاه



محمد آسگران

ایران را تحریم اقتصادی کنند. انتظار دارد آمریکا پول و اسلحه در اختیارشان بگذارد تا نقش دوران صدام حسین را اینبار در خدمت به آمریکا به عهده بگیرند. ما چند سال قبل اعلام کردیم که مجاهدین از جمله نیروهای سناریوی سیاه در ایران است. اکنون عملاً میبینیم که برای ایفای نقش در این زمینه بقول آمریکائیکها حاضر به هر نوع اعمال خلاف اخلاقی هستند که خود آمریکائیکها از انجام آن شرم دارند.

سکوت فراخوان سایت دیدگاه در مورد نقش میلیتاریسم آمریکا و فقط یک طرف فضای جنگی موجود یعنی رژیم "ولایت فقیه" (نه رژیم اسلامی و اسلام سیاسی) را دیدن و محکوم کردن از این آشخور سرچشمه میگیرد. با وجود این دودوزه بازی در سیاست، مدافعیش باز هم میگویند از کجا معلوم است که این فراخوان را هواداران خجول مجاهدین تنظیم کرده اند.

جواب من روشن و بدون ابهام

در جواب نقد من به فراخوان سایت دیدگاه آقای علی ناظر و یک نفر به اسم ح- قهرمان بجای تعمق کردن و فکری به حال فراخوان شان کردن به سفسطه روی آورده اند. تلاش کرده اند دم خروس مجاهدین خلق در این فراخوان را پنهان کنند. اما در جواب نقد من باز هم یک کلمه علیه سیاستهای آمریکا و مجاهدین خلق نگفته اند. این موضعگیری یک بار دیگر جایگاه فراخوان آنها را نشان میدهد.

ما یک سال قبل به مجاهدین خلق هشدار دادیم که نقش پرو آمریکایی خودش را کنار بگذارد. نه تنها این کار را نکرد بلکه تمام تلاش این سازمان این است که آمریکا را قانع کنند تا او را به خدمتگزار خود قبول کند. این سازمان تلاش میکنند نقش مزدوریش را بیش از پیش به اثبات برسانند. خانم مریم رجوی آشکارا اعلام کرده است که دول غربی باید

پیام تسلیت به خانواده رفیق رحمت صادقی
محمد آسگران

کنگره اول منصور حکمت در تاریخ ۱۴ تا ۱۶ آوریل
در گوتنبرگ برگزار می شود

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

سفسطه جواب نیست . . .

مقابل نقد من گفته است آیا باید فراخوان با مرگ بر امپریالیسم آمریکا تزیین میشد؟ ایشان یادشان رفته است که ما اولین و تنها جریان چپ در ایران بودیم که این عبارت را از زبان چپ "ضد امپریالیست" ایران انداختیم. زیرا این عبارت برای پوشش دفاع از سرمایه داری "ملی" بکار میرفت که آقای ناظر و فراخوانشان هنوز دلواپس چپاول آن هستند.

ایدهولوژیک و یک ازدواج و فامیلی سببی دیگری را لازم میبینند و ضمیمه سیاست اشان میکنند، امروز هم عاقبت اشان اینست که می بینیم. سازمانی که حتی حاضر نیست اعلام کند رهبرش به چه سرنوشتی دچار شده است اکنون مشغول خدمت به چه کسی است، اسیر آمریکا است یا خدمتکار آمریکا، مردم چرا باید به چنین سازمان مخوفی اعتماد کنند؟

اینها هنگامی که چند تا توپ و تانک دست دوم صدام حسین را دریافت کردند گفتند ارتش آزادیبخش درست کرده و میخواهند ایران را آزاد کنند! با این سیاستهای رهبریشان، شاهد فجایعی بودیم که این جریان غیر مسئول ببار آورد. امروز هم در انتظار بمب و پول آمریکای باید مزدوری خود را به نمایش بگذارند. سرنوشت و تاریخ این جریان سکت مذهبی این بوده است که همیشه در خدمت کسی باشد و علیه منافع مردم اقدام کند.

اکنون هم از جانب هوادارن خیمالتی طیف فدایی دنبالهچمه مجاهدین، گویا قرار است مردم تحریم اقتصادی یا بقول خودشان "تعلیق اقتصادی بهتر از حمله نظامی است" را قبول کنند، تا شاید آمریکا قانع شود خودش مستقیم دخالت نکند، بلکه از طریق نیروهای مزدوری مثل مجاهدین و دیگر جریانات قومپرست سیاستش را عملی نماید.

این سیاست بازار گرمی و فروش مجاهدین به قیمت بیشتری به آمریکا است. زیرا خریدار هنوز قانع نیست که کالای بنجلی مثل این سازمان را در ویترنش داشته باشد. تا کنون فقط پنهانی و نه آشکارا این کالای دست چندم را استفاده کرده است. این آن سیاستی است که پشت فراخوان سایت دیدگاه خوابیده است. حال کارگر یا راننده و یا فروخته هر کس این فراخوان را امضا کرده است باید بداند که آگاهانه یا ناآگاهانه دارد به این سیاست کمک میکند. باید بداند که دارد به سیاست خانم رجوی در پاریس و مسعود رجوی بی جا و مکان خدمت میکند.

ضدیت با جمهوری اسلامی دیگر معیار رادیکالیسم کسی نیست. هنگامی که نیروهای چپ با هر تعریفی که از اهدافشان داشتند مخالف و در مقابل رژیم اسلامی بودند رجوی کنار خمینی و بنی صدر و صدام حسین نشسته بود. اکنون از چپ ترین تا راستترین جریانات خواهان رفتن رژیم اسلامی هستند. اما هر جریانی با اهداف و سیاستهای کاملاً متفاوتی این سیاست را دنبال میکند. همچنانکه فراخوان دهندگان سایت دیدگاه هم دارند به هدف قابل قبول کردن مجاهدین برای آمریکا علیه رژیم طریشان را تبلیغ میکنند.

از من سوال کرده اند اگر به این فراخوان نقد دارم چرا طرح بهتری را ارائه نمیدهم. فکر نمیکنم که نویسندگان فراخوان ندانند سیاست ما و طرح ما چیست. ما رسماً و علناً اعلام کرده ایم: این بحران نتیجه شاخ به شاخ شدن دو قطب تروریسم جهانی است. این جنگ تروریستها است. جنگ تروریسم دولتی به سرکردگی آمریکا و تروریسم اسلامی. گوشه ای از این جنگ تروریستی را سالها است ما در اسرائیل و فلسطین با اهداف محدودتری شاهدیم، که تروریسم دولتی اسرائیل و تروریسم اسلامی دو طرف آن هستند. اکنون در ابعادی جهانی جنگ تروریستها ادامه دارد. هر دو طرف این جنگ لازم و ملزوم یکدیگرند. هر دو به

این جنگ نیاز دارند که سهم خودشان را در رقابتهای جهانی بیشتر کنند. برای تعیین سهم خواهی خود هر کدام دشمنان علنی و پنهانشان را دارند. آمریکا بعد از جنگ سرد و فروپاشی "سوسیالیسم" بلوک شرق احتیاج دارد یک بار دیگر استراتژی جهانی خود را در رقابت با قطبهای اقتصادی رقیب معلوم و تعیین کند.

اسلام سیاسی که مرکز و قدرت آن اکنون در ایران است تلاش میکند که با سیاست ترور و اخیراً هم دستیابی به بمب اتمی قدرت خود و سهم خواهی خود را به قدرتهای دنیای امروز و رقبایش بقبولاند. برای مقابله با جنگ تروریستها

همزمان باید علیه میلیتاریسم آمریکا و علیه اسلام سیاسی بود و باید برای سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق مردم و جنبش انقلابی حی و حاضر موجود اقدام کرد. باید به جنگ طلبی دولت آمریکا و متحدین آن و آماده سازی شرایط برای حمله به ایران که به

معنی حمله به مردم بی دفاع و دامن زدن به یک جنگ فاجعه آمیز در منطقه است، نه گفت و در مقابل آن متحدانه و قدرتمند ایستاد. باید این اوضاع را که تهدیدات جنگی در بین طرفین آغاز شده است، بشدت محکوم کرد. باید اعلام کرد و اینرا باید واضح اعلام کرد که این جنگ تروریستها است و ربطی به منافع مردم ندارد. ولی این کافی نیست. موضع پاسیفیستی پاسخ کامل به اوضاعی نیست که میروید به جنگ منجر شود. باید گفت که یک طرف این دعوا تروریسم اسلامی است. حکومتی که همین امروز و بیست و هفت سال است یک جنگ تمام عیار را بر علیه مردم در ایران و به نوعی در منطقه به پیش میبرد. قبل از

تهدیدات نظامی آمریکا نیز ایران بهشت برین نبوده و مردم در آرامش و امنیت نبوده اند. پس در این اوضاع بغرنج باید در عین حال فراخوان سرنگونی فوری حکومت توسط مردم را داد. مردم ایران کارگران و جوانان و زنان همین امروز در صحنه اعتراض هستند. هر کس میخواهد به نفع این جنبش عمل کند، نه به نفع باندها و سکتتهایی نظیر مجاهدین، باید خواهان انزوای دیپلماتیک کامل حکومت ترور و وحشت اسلامی باشد.

جمهوری اسلامی باید از سازمان ملل و همه مجامع بین المللی اخراج شود.

جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست. دولتها را باید وادار کرد خواست مردم ایران برای اخراج جمهوری اسلامی از مجامع بین المللی را بپذیرند.

تمام سفارتخانه های جمهوری اسلامی باید بسته شود.

نباید اجازه داد که هیچ مقام رسمی، این رژیم به عنوان نماینده مردم رسمیت پیدا کند.

تمام حسابهای بانکی سران رژیم اسلامی باید مسدود شود و گزارش آنرا به مردم بدهند. این پولها نتیجه

دسترخ مردم ایران است که اینها به جیب زده اند.

در مقابل این جنگ تروریستی باید بشریت متمدن را به خیابان آورد با محکوم کردن سیاستهای آمریکا و علیه جمهوری اسلامی از مبارزات مردم ایران باید حمایت کرد.

آمریکا با دخالت از بالا و با جنگ افزوری میخواهد هم رقبای خود را رام کند و هم امکان دخالت انقلابی از مردم گرفته شود.

آمریکا میخواهد از بالای سر مردم رژیم دست نشانده خودش را در ایران به قدرت برساند.

در مقابل این سیاستهای امریالیستی و در مقابل حاکمیت سیاه رژیم اسلامی، باید با قدرت هرچه بیشتری وارد میدان شد، با سرنگونی این رژیم تروریست عملاً مردم تعیین کننده تحولات سیاسی در ایران میشوند و آمریکا در مقابل اراده قوی مردم کاری از پیش نمیبرد.

.....

اینها رئوس سیاست و طرحی است که چند ماه قبل حزب کمونیست کارگری اعلام کرده است. بنا بر این نویسندگان فراخوان سایت دیدگاه از کم اطلاعی و عدم طرح رادیکال نبوده که این طرح را نوشته اند و در مورد نقش تروریسم دولتی آمریکا و اهداف جهانی آن سکوت کرده اند.

جریاناتی که فقط علیه رژیم اسلامی موضع میگیرند و در مورد نقش آمریکا و متحدینش سکوت میکنند و یا برعکس جریاناتی که فقط علیه آمریکا موضع دارند و در مورد رژیم اسلامی سکوت میکنند و نقش اسلام سیاسی را در ایجاد این بحران کم رنگ نشان میدهند، خواسته یا ناخواسته دارند به یک طرف این دو قطب تروریستی خدمت میکنند. بشریت متمدن در مقابل این دو قطب تروریسم جهانی باید به میدان بیایند. جبهه و قطب سوم، جبهه مردم متمدن و آزادیخواه جهان باید به میدان بیاید که شر این محورهای جنایت را از سر جامعه کم کنند.

از صفحه ۱

گفتگو با سیاوش مدرسی . . .

نظامی ناتوامضا کرده بود زیر پا گذاشت. در همان زمان خیلی متفکرین این سیاست در امریکا با شغف از عروج امپراطوری جدیدی در جهان دم میزدند؛ امپراطوری امریکا!

حمله به عراق و اشغال این کشور در عین حال تحت فشار قرار دادن متحدین سابق امریکا طی دوران جنگ سرد در اورپا بود البته به اضافه روسیه و چین بود. شاید به اعتباری درست تر باشد بگویم که این مسئله و هدف اصلی امریکا در حمله و اشغال نظامی عراق این مسئله و هدف بود. این سیاست در همان زمان با مقاومت و عدم همکاری بخشی از کشورهای اروپایی مواجه شد، دولت های فرانسه و آلمان در کنار چین و روسیه این سیاست را به چالش طلبیدند و سیاست امریکا برای شکل دادن به "بلوک اروپای جدید" در مقابل "اروپای کهنه" عملاً به شکست انجامید. امروز امریکا در مرداب عراق گرفتار شده و در افغانستان سلطه دولت دست نشانده اش طبق اخباری که خودشان منتشر میکنند، از يك خیابان و نهایتاً يك محله در کابل فراتر نمی رود.

دولت جوج بوش در تحکیم سلطه و اراده اش به دیگر دولتهای سرمایه داری غربی فعلاً ناکام مانده است. پس سیاست جدیدی اتخاذ کرده اند و به خواست "اروپای کهنه" گردن گذاشته است و قرار است در مورد مشکل جمهوری اسلامی با اتکا به شورای امنیت سازمان ملل و ناتو و در نظر گرفتن منافع دیگر کشورهای سرمایه داری غرب به اضافه چین و روسیه سیاستهایشان را پیاده کنند.

آبشخور اصلی يك دستی سیاستهای کشورهای غربی علیه جمهوری اسلامی این است. بنابراین ما در شرایطی بسر میبریم که تاحد زیادی شاهد این هماهنگی و سهم خواهی در مناقشات مربوط به پروژه اتمی جمهوری اسلامی، بین دول اروپایی بویژه فرانسه آلمان به اضافه چین و روسیه هستیم هرچند که چانه زنی ها و سهم خواهی های

بیشتر ادامه دارد و ادامه پیدا خواهد کرد، اما قطعاً فروکش نخواهد کرد.

بگذارید به این نکته اساسی هم اشاره کنم که دول غربی هرگز مسئله ای با اسلام سیاسی نداشته و ندارند. همین امروز یکی از وحشیترین اشکال سلطه اسلام سیاسی را در عربستان شاهدیم. دولت آل سعود و خادمین "شرفینین" مکه در عربستان وسط خیابان با شمشیر گردن میزند، دست و پا قطع میکند، چشم در میآورد و در عرصه جغرافیای سیاسی منطقه و جهان حامی و تامین کننده مالی و لجستیک دسته جات و باندهای تروریستی اسلامی است، اما با کمترین انتقادی از طرف دولتها و رسانه های غربی مواجه است. مشکل دول غربی با دولت جمهوری اسلامی ایران از سر دفاع از منافع مردم و یا دشمنی با قوانین قرون وسطی ای این دولت نیست، مسئله آنها همانطور که بصراحت هم اعلام کرده اند، نافرمانی و عدم هماهنگی دولت جمهوری اسلامی با سیاستهای منطقه ای آنها در فلسطین و جنوب لبنان است.

از طرف دیگر دولت بی ثبات جمهوری اسلامی که بدون حضور در بحرانی نمی تواند به بقایش ادامه دهد به استقبال چنین بحرانهایی می رود. اشغال سفارت امریکا و جنگ ایران و عراق برای اینها نعمت بود چون توانستند طی آن بزنند و سرکوب کنند و پایه های اقتدار قرون وسطائیشان را محکم کنند، دوران باسازی بعد از جنگ و دولت رفسنجانی، زمانی بود که میتوانستند با اتکا به آن فرصت و علت وجودی برای حاکمیتشان بسازند، پروژه خاتمی و به اصطلاح اصلاحات دقیقاً به این دلیل میتوانست واقعیت پیدا کند، وقت خربان برای يك رژیم سیاه که با هیچ سربشی به واقعیات آن جامعه نمی چسبید! دولت احمدی نژاد و دامن زدنش به مسئله بحرانی اتمی هم مقوله ای از همین دست است. دولت جمهوری اسلامی به چنین بحرانی برای ادامه بقایش نیازمند است،

بحرانی که میتواند حتی به نابودیش منجر شود.

به دلایل فوق فکر میکنم چه از جنبه بین المللی و چه از نظر داخلی هر دو سوی این کشمکش نیازمند این رویارویی حتی در شکل نظامی آن هستند.

عبدالگلپریان: برخی از جریانات اپوزوسیون و حتمی افواد و شخصیتهایی که مهر چپ را بر خود زده اند، اینجا و آنجا دارند از تحریم اقتصادی حرف می زنند، شما تحریم اقتصادی را چگونه توضیح می دهید؟

سیاوش مدرسی: سیاستها بلاخره معنی زمینی دارند و مایه ازای عملی، بگذارید اول به این جنبه اشاره کنم؛ اینها یا معنی محاصره اقتصادی را نمی فهمند و یا خودشان را به نادانی میزنند.

در يك کلام محاصره اقتصادی گروهگان گرفتار نمان و دارو و نیازمندیهای ابتدایی مردمی است که جانیشان از دست جمهوری اسلامی به لبشان رسیده است. بد نیست به نمونه عراق نگاهی بی اندازیم طبق آمار بنیادهای حقوق بشر اروپایی طی ده سال محاصره اقتصادی عراق بیشتر از ۵۰۰ هزار کودک از بی شیرینی و بی دارویی بهلاکت رسیدند. به آمار تلفات در بین بزرگسالان، میزان بالا رفتن جنایت، فقر و گرسنگی و تبااهی اشاره نمی کنم. آیا این جماعت به نتایج سیاستهایی که اتخاذ کرده اند آگاهند؟

در جهان واقع سیاست هایی مثل سیاست محاصره اقتصادی و فدرالیسم اجرا جدایی ناپذیر سیاست جنگی و میلیتاریستی جهان سرمایه داری و در اینجا امریکا و دول اروپایی، در ظاهر امر علیه دولت جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی هستند. تحت فشار قرار دادن مردم، فقر و تبااهی، مرگ و میر و جنایت، جنگ و درگیری و بی خانمانی از يك طرف و بجان هم انداختن مسلحان دارودسته های قومی و مذهبی، مبارزه با جمهوری

اسلامی نیست!

دود محاصره اقتصادی مستقیماً به چشم مردمی می رود که جانشان از دست جمهوری اسلامی به لبشان رسیده است. محاصره اقتصادی عقب راندن مردم از موضع تعرضیشان علیه جمهوری اسلامی است. محاصره اقتصادی تلاش برای زمین گیر کردن مردم و طبقه کارگر است و آن سوی سکه وقت خریدن برای جمهوری اسلامیست. بی دلیل نیست که کبل دستگاه حکومتی ایران به استقبال آن می رود.

متأسفانه این جریانات و آن بخش از به اصطلاح چپ از حول حلیم دمکراسی به دیگ همدانستانی با سیاستهای دولتهای غربی افتاده است.

این جماعت با پیشروی سیر اوضاع علیرغم هر تعریفی که از خودشان بدست بدهند عملاً به چرخ پنجم گاری دولت امریکا تبدیل میشوند

عبدالگلپریان: زمزمه های برخی جریانات بنام چپ را داتر بر مواضع ضد امپریالیستی آنان در مقابل آمریکا و در صورت حمله نظامی احتمالی به ایران را شاهدیم، این مواضع از کجا مایه می گیرید؟ و فکر می کنید راه مقابله با تهدیدات آمریکا از يك سو و از سوی دیگر کنار زدن سرطانی رژیم اسلامی از چه طریقی ممکن است؟

سیاوش مدرسی: ببینید سنت چپ ضد امپریالیست، يك سنت دیرپا در دوران جنگ سرد بود. چپی که از تمام موجودیت سرمایه داری تنها امپریالیست بودن آن را میدید و نقدش به سرمایه داری به همین حدود محدود میماند. جریان فکری، سیاسی و تشکیلاتی ما از همان آغاز شکل گیری در انقلاب بهمین علیه این جنبش، برنامه و آمال و اهدافش مرزیندی کرد. ما در يك کلام به آنها گفتیم که جناح چپ جنبش های ملی هستند و نه هیچ چیز بیشتری. جنبش کمونیستی جنبشی ضد سرمایه داری است و نه فقط ضد سیاست های خارجی و یا ضد صدور سرمایه دولتهای که ظاهراً به آخرین مرحله رشدشان رسیده اند.

در شرایط پس از پایان جنگ سرد _ شرایطی که در پاسخ به سوال اولتان به آن پرداختم_ این چپ جان جدیدی گرفت. عروج جریاناتی مثل Attac در اروپا و بویژه فرانسه نمونه ای از این مطرح شدن دوباره است. که البته موفقیت چندانی هم نداشتند. در جریان مبارزات ضد جنگ و ضد حمله امریکا به عراق ما بیشتر شاهد مطرح شدن نقد به سرمایه بودیم تا فقط به امپریالیسم. مردمی که در ضدیت با جنگ در سراسر جهان به میدان آمده بودند، سمپاتی به حمایت از صدام یا طالبان نداشتند. شعار و مطالبه محاکمه بوش و صدام در دادگاه لاهه شعاری عادی در این تظاهرات بود. هرچند که Attac ها تمام تلاششان را میکردند که جنبش فقط

ضد امپریالیست باقی بمانند. در مورد شرایط ویژه ایران باید بگویم که بنابه تعریف ما جریان و حزب کمونیسم کارگری در ایران هستیم این فاکتوری مهم در اوضاع ایران است.

اما چپی خود را صاحب جامعه نمی داند، چپ و یا جریان سیاسی که با خط مستقیم در کشمکش های اجتماعی ظاهر نمی شود! چپی که سوسیالیزمش را همین امروز قابل تحقق نمیداند! چپی که گروه فشار است تا آلترناتیو اجتماعی چپی که سیاستهایش را بر مبنای "عقل" و تاکتیک ها و "درایت" و دیپلماسی که بر مبنای ناتوانائی هایش تعریف شده بنا میکند! چپی که باور ندارد که طبقه کارگر و آحاد مردم بازنده اصلی چنین کشمکش های سیاسی هستند! و باور ندارد که بقول مارکس سیاست های رادیکال در بین همین مردم، ظرفیت تبدیل به حرکت سیاسی و اجتماعی را دارند! پیش از آنکه چپ باشد مشغول الوداع گفتن به همان مبانی است که بنامش سوگند میبخورد و به آن عشق عرفانی میوزرد!

در يك کلام این چپ جایی در سیاست و تعیین مقدرات جامعه نخواهد داشت به این دلیل ساده که خودش ادعایش را ندارد.

جامعه ایران امروز دستخوش آزمونی سخت است. مجموعه شرایط جهانی و داخلی امکان ورود به صحنه را برای نیروی رادیکال و

از صفحه ۳

گفتگو با سیاوش مدرسی . . .

سوسیالیستی است فراهم کرده است. خارج از هر هیجان سیاسی میتوان به بررسی این شرایط نشست، و فاکتورهای منفی و مثبت را تحلیل کرد. این که سیر وقایع بکجا خواهد کشید تا حد زیادی به نقش ما گره خورده است. اما آیا همه جناح های

چپی که راه سوم را پیشنهاد میکنند و خواهان تغییر شرایط بوسیله طبقه کارگر و خود مردم محبوب در زندان جمهوری اسلامی است، جریانهای که علیه هر دو قطب تروریسم جهانی به میدان می آید و مبلغ و مروج و سازمانده یک انقلاب اجتماعی

با خود خواهد داشت. اما تا آن زمان حتماً این به اصطلاح چپ "دیپلمات" در چنبره تناقضاتش دست و پا خواهد زد و چه بسا در ضدیت با عراقیزه شدن ایران و بدون تعریف هیچ نقش و جایگاهی برای خودش، به هم جنبه ای جریانات اسلامی تبدیل شود. این قضاوت شاید زودرس باشد، شخصاً امیدوارم که چنین اتفاقی

نیفتد اما بر نقش کمونیسم کارگری در این اوضاع بیشترین تاکید را دارم. ما میتوانیم مانع چنین سقوطی شویم. و این تنها یکی از نتایج تبعی قدرت گیری چپ کارگری در جامعه ایران خواهد بود.

...

پیام تسلیت به خانواده رفیق رحمت صادقی



رحمت صادقی

با تأسفی فراوان رفیق رحمت معروف به (درویش رحمت) برای همیشه ما را ترک کرد. رفیق رحمت بعد از سالها مبارزه و تلاش برای یک زندگی بهتر متأسفانه صفت دوستان و یارانش را ترک و آنها را در غم و اندوه فروبرد. یاد رفیق رحمت برای همه ما که در سنج و با گردان شوان فعالیت کرده ایم و برای همه زندانیان سیاسی که هم دوره او بودند برای مردم سنجند و همه

فعالینی که رفیق رحمت را رازدار و یار و یاور خود میدانستند زنده و گرمی است. درویش کمونیست در زندانهای جمهوری اسلامی همیشه مورد احترام و رازدار زندانیان بود. رفیق رحمت درس تسلیم ناپذیری و سرسختی را به همه دوستان و اطرافیانش می آموخت. فرزندان او رفیق آوات صادقی و رفیق جانبخته سیروس معروف به دکتر سیروس همیشه پدرشان را به عنوان معلم

و همه خانواده و بستگان و دوستان و یاران رفیق رحمت صمیمانه تسلیت میگویم.

یادش گرامی باد!

محمد آسگران
دبیر کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
مارس ۲۰۰۶

از سایت ایسکرا دیدن کنید

www.iskraa.org

تلویزیون
کانال جدید
۸ تا ۱۰ شب

مشخصات فنی

Satellite: Telstar 12 Center
Frequency:
12608MHz
SymbolRate:19279
FEC:2/3
Polarization:
Horizontal

کنگره اول منصور حکمت



سخنرانان

مینا اهدی (استاد زن، پانچ منصور حکمت، یک بررسی تاریخی)، حمید تقوایی (وزیرقلمی مارکسیسم منصور حکمت)، علی جوادی (تفاوت های منصور حکمت)، فرشاد حسینی (منصور حکمت و کمونیسم در عمل، مروری بر ایده سازمان بابی ایرانیان در خارج کشور و تجربه قراسون پناهندگان)، سیاوش دانشور (کمونیسم کارگری و انبساط)، شهلا دانشور (منصور حکمت و جنبش کارگری)، ادیب قزاق (اومانیسم و مارتیسم منصور حکمت) و آذر منجدی (کمونیسم منصور حکمت)

جمعه ۱۴ و شنبه ۱۵ آوریل

محل: گوتنبرگ، سوئد

لقدنا از آوردن کورکن زور ۱۳ میل خورداری کنید
امکان نگهداری از کورکن بلومف فکه از بین نام اومانیسم، موجود است. هزینه نگهداری دو روز برای هر کورکن ۶۰۰ کرون سوئد و روزی برای دو روز تقریباً ۱۵۰ کرون سوئد
از علاقمندان خواهی میشود که برای تسهیل امور تدارکات حتماً از پیش ثبت نام کنند
کسانی که به محل امکان احتیاج دارند سوئداً با بهروز مهرآبادی یا شهلا نوری تماس بگیرند.
شماره تلفن:

+46-737262622

+46-704227196

بهروز مهرآبادی
برای تسهیل در امور و تامین مخارج کنگره از علاقمندان به شرکت خواهشمندیم که هزینه شرکت در کنگره و کمک های مالی خود به کنگره و بنیاد منصور حکمت را در حساب زیر واریز کرده و سپس ما را از این کار مطلع کنند شماره حساب:

PlusGirokonto 442066-7 WL

Sweden

برای اطلاعات بیشتر ما تلفن بالا یا با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید:

azarmajedi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!